

تعریف گرما با سرما، نور با ظلمت، جنگ با صلح، دوستی با دشمنی و غیره. حالا آیامی توان «گفت و گو» را ضد سکوت دانست؟ سکوت مفهوم ضدگفت و گوست یا ضد صدا؟ سکوت نیمه شب کویری، سکوت رادیویی، سکوت دانش آموزان در کلاس درس، سکوت مرگ، سکوت چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای در برابر فاجعه انسانی در فلان جا، سکوت ذهنی و... گویی سکوت نیز مثل گفت و گو، مثل عشق، مثل فضیلت، مثل هنر و... و دقیقاً مثل گفت و گو، به راحتی تن به تعریف شدگی نمی‌دهد! هر ارتباط گرفتنی ممکن است از جنس گفت و گو نباشد. ما گاهی بیش از هشتاد درصد پیام‌ها را با استفاده از زبان بدن منتقل می‌کنیم. اما هر گفت و گویی از جنس تلاش برای ارتباط گرفتن است. ما انسان‌ها

تکامل یافته‌ایم که حیوان ناطق باشیم.

این ناطق بودن می‌تواند مرز تمایز بین حیوانیت و انسانیت باشد. درست همان طور که نخستین سلول زنده از اشیاء و عناصر غیر زنده تمایز یافته است. همان طور که در زیست‌شناسی نمی‌توانیم چستی زندگی را فقط با یک ویژگی تعریف کنیم... و مجبوریم از توان رشد و نمو گرفته تا تغذیه، حرکت، واکنش به محیط، تولید مثل و غیره را به صورت یک مجموعه (برای تمایز بین موجودات جاندار و بی جان) در نظر بگیریم... در تعریف گفت و گو نیز ویژگی‌های متعددی دخیل است. بلورهای نمک طعام در یک محلول اشباع شده رشد می‌کنند، تپه ماسه‌های کویری حرکت دارند، ابرها با جذب بخار آب بزرگ‌تر شده و در اثر ضربه‌های باد و طوفان تقسیم می‌شوند، بدافزارهای رایانه‌ای تولید مثل می‌کند و... اما هیچ یک از این پدیده‌ها موجود زنده به شمار نمی‌آیند. همان طور که این حرف‌ها هم برای ما تعریف گفت و گو و سکوت نشد... یا همان طور که حماس و اسرائیل هم نمی‌توانند با هم گفت و گو کنند. حالا همه چیز به اوپنهایمرهای غزه و حیفا بستگی دارد... که چه بسازند کریستوفرهایی که چه چیزی را به تصویر بکشند؟ (کریستوفر آنها پیشدستی کرده و عملیات غافلگیرانه انجام داده یا فرماندهان نظامی حماس؟ خیال می‌کنید یک نماینده هیولای زن در مجلس اسرائیل، یا کلی چهره سیاسی و نظامی دیگر در شاپاک و غیره، همین طوری بدون مقدمه... و در همان ساعات اولیه شروع جنگ... موضوع حمله هسته‌ای را مطرح می‌کنند؟ خیال می‌کنید کریستوفر حاضر است به خاطر یک پیام اخلاقی و انسان‌دوستانه، به مخاطره احتمال کاهش فروش کیشه فیلمش هم نقشی بدهد که بازی کند؟ خیال می‌کنید واقعا گلش یافته‌فراهانی هم می‌تواند سوپر استار هالیوود شود؟! تمام سؤالات را باید من برایتان دریاورم؟!)

ادامه در شماره بعد...



هر چه دست و پا می‌زدم که از کنار بحث قبلی عبور کنم، می‌دیدم گلاب به رویتان... «کریستوفر» (مخفف و اصلاح ژنتیکی شده‌ی اسامی قبلی) انگار این فیلم لامصب را در راستای همین بحث قبلی ساخته است! تا اینکه حماس با پاراگلایدر در آسمان ظاهر شد و موشک‌های مقاومت انگار در کلمات متنم فرود آمدند!

